ایران فرهنگی | http://irannewspaper.ir | editorial@irannewspaper.ir

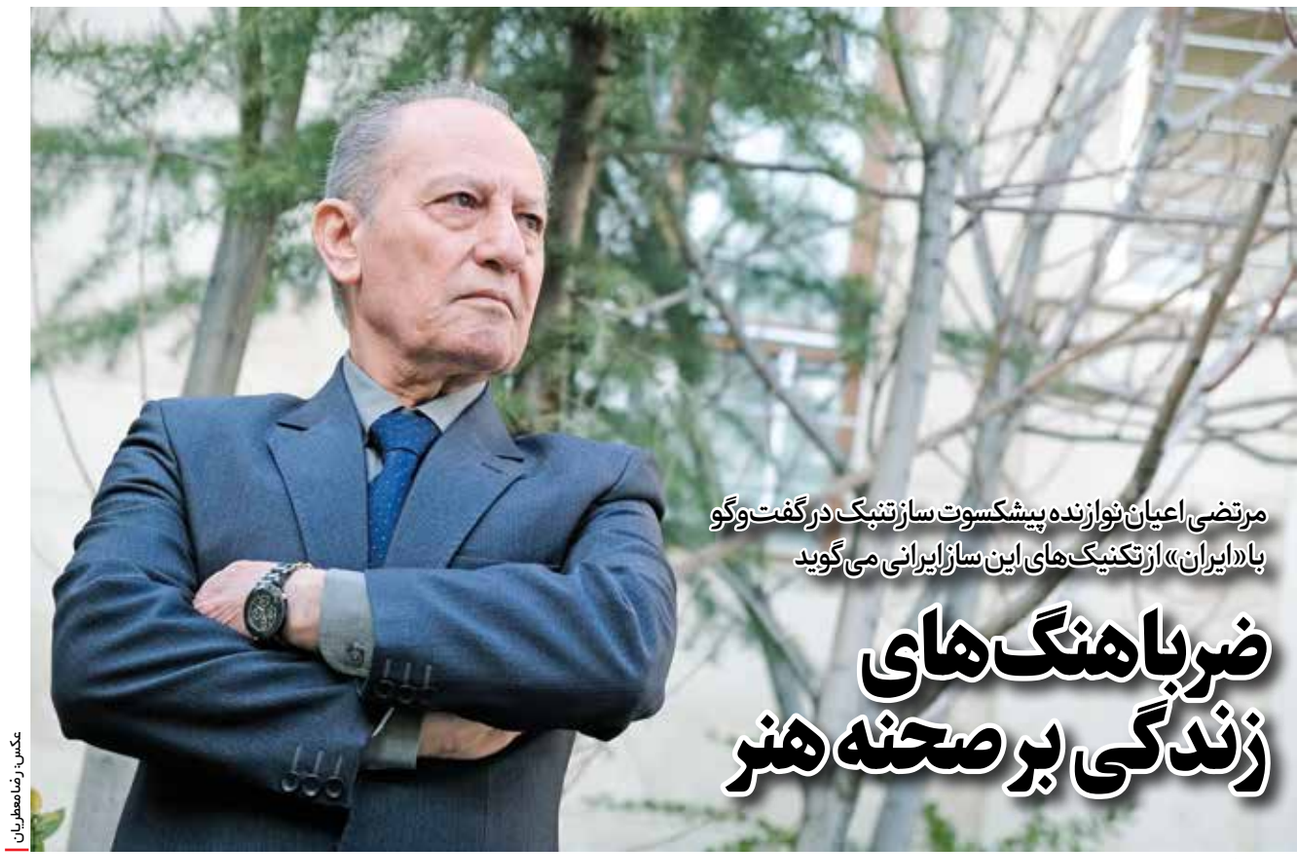

عکس: رضا مطریان

مرتضی اعیان نوازنده پیشکسوت سازتنبک در گفت‌وگو با «ایران» از تکنیک‌های این ساز ایرانی می‌گوید

ضرباهنگ‌های زندگی بر صحنه هنر

ندا سیجانی
روزنامه نگار

در میان هنرمندان و پیشکسوتان عرصه موسیقی ایران، افرادی هستند که تأثیر بسزایی در حفظ و معرفی این هنر داشته‌اند و به نوعی میراث دار و رهرو استادان بزرگ گذشته خود بوده‌اند. هنرمندانی همچون مرتضی اعیان نوازنده تنبک، که اگرچه نامش کمتر به گوش ما آشنا است اما هنر و هنرمندی‌اش ماندگار است. این هنرمند سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد و علاقه‌مندی خانواده به موسیقی موجب گردید او هم در مسیر هنر قرار بگیرد و با ساز تنبک خود، ریتم‌های زیبایی در صحنه موسیقی بیافریند. مرتضی اعیان از شاگردان مستقیم زنده یاد استاد ناصر افتتاح است و طی سال‌ها فعالیت هنری‌اش، با هنرمندان بزرگ و گروه‌های مختلفی در ایران و خارج از ایران همکاری داشته و کنسرت برگزار کرده است. در این گفت‌وگو در خصوص، فعالیت‌های هنری مرتضی اعیان و ویژگی‌های ساز تنبک به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■ **ابتدا کمی از خودتان بگویید، از چه سالی به عرصه موسیقی وارد شدید و چه انگیزه‌ای موجب شد این مسیر را انتخاب کنید؟**

حدوداً ۱۱ سالم بود. برادرِ بزرگم نوازنده ویولن بود و به من پیشنهاد کرد نواختن تنبک را بیاموزم تا در کنار یکدیگر ساز بنوازیم. من هم از این پیشنهاد بسیار خوشحال شدم، تا آنکه خانواده برای من معلم گرفتند. اولین استادم شادروان حسین خرسندی بود و یک سال نزد ایشان درس گرفتم. البته چون سن کمی داشتم استاد برای تدریس به منزل ما می‌آمد. آقای خرسندی یک تنبک بسیار قدیمی داشت و در آخرین روز کلاس درس، آن را به عنوان یادگاری به من هدیه داد. این کار استاد علاوه بر اینکه بسیار خوشحالم کرد، تأثیر بسزایی در من گذاشت و موجب شد تمرینات خود را به صورت جدی‌تر انجام بدهم. در آن روزهای کلاس درس، استاد خرسندی توصیه کرد به موسیقی‌های رادیو گوش بدهم، توجه بیشتری داشته باشم و در کنار آن تمرینات خود را فراموش نکنم. با پند گرفتن از صحبت‌های استاد و تمرینات جدی و شنیدن قطعات موسیقی، مدتی بعد متوجه شدم، درک و دریافت و شناخت برخی از این قطعات، برایم بسیار مشکل است و با تکنیک نوازندگی آنها آشنایی ندارم و این موضوع را با برادرم در میان گذاشتم و او هم این مسأله را با معلم ویولن خود مطرح کرد و پیگیر این موضوع بود تا آنکه مدتی بعد معلمش پیشنهاد کرد در کلاس‌های شادروان استاد امیرناصر افتتاح شرکت کنم و از کلاس‌های او بهره ببرم و درس بگیرم که خوشبختانه استاد افتتاح من را پذیرفت. اما همچنان برادرم اصرار داشت و از استاد خواهش کرد برای آموزش به منزل ما بیاید. اگرچه برایشان مشکل بود اما با اصرار بسیار این خواهش را به سختی پذیرفت و یکسال هم نزد ایشان تنبک نوازی آموختم، تا اینکه دوران یادگیری به اتمام رسید. بعد از پایان کلاس‌ها، استاد افتتاح به من گفت گاه‌گداری به کلاس‌های من سر بزن و من هم به توصیه ایشان، گاهی اوقات در کلاس‌های عمومی استاد شرکت می‌کردم. یکی از همان روزها، کمی زودتر از موعد مقرر به کلاس رسیدم. به خانمی که مسئول آنجا بود گفتم می‌خواهم استاد افتتاح را ببینم و چون من را نمی‌شناخت، خود را معرفی کردم و گفتم از شاگردانش هستم و در منزل از استاد درس گرفته‌ام. اما استاد و شاگردان هنوز به کلاس نیامده بودند و در مدت زمان انتظار حضور استاد، ناگهان نگاهم به یکی از کلاس‌ها افتاد. حدود ۷-۸ تا تنبک در آنجا چیده شده بود. وسوسه شدم به سمت آنها بروم. از خانم منشی اجازه گرفتم و به کلاس رفتم و در را بستم شروع به تنبک نوازی کردم. آنچنان غرق کار خود بودم که متوجه زمان نشدم و در همان چند دقیقه استاد افتتاح به آموزشگاه رسیده بود و از خانم منشی سؤال کرده بود چه کسی در اتاق است و او هم پاسخ داده بود یک پسر بچه کوچک است و استاد متوجه شد که من آمده‌ام و بر این اساس دقایقی خود و شاگردانش در پشت درکلاس ایستادند و به صدای ساز زدن من گوش دادند. بعد از مدت زمانی، استاد به داخل کلاس آمد و شاگردان هم که به لحاظ سنی از من بسیار بزرگ‌تر بودند، وارد کلاس شدند. آن روز بار دیگر آقای افتتاح به من گفت باز هم به من سر بزن. دفعه بعد که به آموزشگاه رفتم، استاد گفت می‌خواهم با من به رادیو بیایی و من این موضوع را با برادرم درمیان گذاشتم. آن زمان ۱۵ سال داشتم و به همراه آقای افتتاح به یک برنامه رادیویی رفتیم که درخصوص کودکان بود و به سفارش استاد، چند جلسه‌ای با گروه موسیقی این برنامه، تمرین و همکاری داشتم و تنبک می‌نواختم. مدتی این کار انجام گرفت اما چون مسیر رفت و آمد مشکل بود، از ادامه حضور و همکاری در این برنامه کناره‌گیری و عذرخواهی کردم. بعد از آن اتفاق، روزها به تمرینات خانگی مشغول بودم و چند سالی به همین روال گذشت و آرام آرام انگیزه‌ام برای نواختن ساز کمتر و کمتر شد، چرا که احساس می‌کردم با این تمرینات به یک روند تکراری رسیده‌ام. تا آنکه بعد از حدود چند سال، یک روز میهمانی به منزل ما آمد. آقای رضوی سروستانی بود. برادرم به من گفت ایشان می‌خواهد با من صحبت کند. هیچ شناختی از آقای سروستانی نداشتم و از صحبت‌های برادرم متوجه شدم از مرکز حفظ و اشاعه موسیقی آمده است و از من خواست به این مرکز بروم و با دیگر اعضا و هنرمندان این مرکز همکاری داشته باشم و در پاسخ به خواسته و لطف ایشان گفتم سال‌های بسیاری است که نوازندگی نمی‌کنم و چندان علاقه‌ای هم به کارکردن ندارم. اما آقای سروستانی اصرار داشت که حتماً به این مرکز سر بزنم و سرانجام قبول کردم. چند روز بعد از این دیدار، به آدرسی که داده بود، به این مرکز رفتم. (سال ۱۳۵۱) آقای رضوی سروستانی در این مرکز فعالیت داشت و با همراهی او، نزد آقای دکتر داریوش صفوت رفتیم و من را معرفی کرد و در آن دیدار کوتاه درخصوص آموزش‌هایی که در زمینه تنبک نوازی دیده بودم، صحبت‌های کوتاهی انجام گرفت. بعد از چند دقیقه‌ای، آقایی که درکنار دکتر صفوت نشسته بود، سه تاری را از روی میز مقابل دکتر برداشت و آرام آرام شروع به نواختن کرد و به من اشاره داشت با تنبکی که درکنار بود، نوازندگی کنم اما در پاسخ به او گفتم مدت‌های بسیاری است که ساز نزده‌ام، آمادگی لازم را ندارم. بار دیگر اصرار کرد و شروع به نواختن کردیم. بعد از مدت کوتاهی تنبک نوازی، آن آقا نواختنش را قطع کرد و به دکتر صفوت گفت خوب است آقا خوب است! و دکتر به من گفت در کلاس‌های این مرکز شرکت کنم و در کنار اعضای آن ساز بنوازم و فعالیت کنم. جالب است بدانید آن آقایی که از من امتحان گرفت شادروان استاد سعید هرمزی بود. بعد از آن دیدار و اتفاق، چند روز دیگر دوباره به مرکز رفتم و آقای رضوی من را به دوستانی که در آنجا بودند معرفی کرد. عزیزانی همچون آقایان داوود گنجه‌ای، داریوش طلایی، محمد مقدسی، حسین علیزاده، جلال ذوالفنون و... و در همان دیدار نخست به گفت‌وگو نشستیم و این آغاز همکاری من با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بود.

■ **اولین آلبومی که با همکاری اعضای مرکز حفظ و اشاعه موسیقی منتشر کردید چه بود؟**

اولین کارم، یک نوار کاست با خوانندگی خانم پریسا بود که در جشن هنر شیراز اجرا کرده بودیم. کاست بعدی با آقای رضوی سروستانی بود و سال‌های بعد اثری را با گروه موسیقی «درویش» که آقای شفیعیان سرپرست آن بود، اجرا و ضبط کردیم. همچنین با گروه موسیقی آقای عطاءالله جنگوک در آلبوم موسیقی بسیار زیبای «مال کنون» به خوانندگی آقای مسعود بختیاری و آهنگسازی آقای جنگوک همکاری داشتم. کاست دیگر هم با آقای مهدی آذرسینا بود. یک کاست دیگر هم به تنظیم و آهنگسازی آقای علی اکبر شکارچی جمع‌آوری کردیم و...

■ **به غیر از شما، نوازنده تنبک دیگری هم در این مرکز بود؟**

بله. آقایان ناصر فرهنگ‌فر، بهمن رجبی و محمود فرهمند هم بودند و بعد از مدتی آقای محبی به این مرکز آمد.

■ **انتخاب نوازنده‌های تنبک برچه اساسی بود؟**

برای ساخت یک اثر مسئولان گروه، نحوه اجرای نوازنده و اخلاق و رفتارش با گروه را در نظر داشتند و فردی را انتخاب می‌کردند که به لحاظ اجرایی و اخلاقی با گروه هماهنگی داشته باشد. البته این دیدگاه در دیگر سازها هم وجود داشت.

■ **آیا با رادیو و تلویزیون هم همکاری داشتید؟**

بله. با گروه موسیقی چاووش به رادیو رفتم و به یاد دارم آن زمان، آلبوم‌های «حصار» و «سواران دشت امید» را به آهنگسازی آقای حسین علیزاده در رادیو ضبط کردیم. البته آقای علیزاده این دو کار را برای سه تنبک و گروه نوشته بود و ما سه نوازنده بودیم، آقای بهمن رجبی، آقای داوود یاسری و من.

■ **آشنایی و همکاری شما با گروه موسیقی چاووش چگونه شکل گرفت؟**

آقای حسین علیزاده و آقای محمدرضا لطفی، بیشتر روزهای هفته را به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی می‌آمدند و همکاری و همراهی داشتند. اما بعد از آنکه مسأله کوچکی بین این دوستان در مرکز و دکتر صفوت پیش آمد، تعدادی از این دوستان از مرکز بیرون رفتند و گروه موسیقی چاووش را تشکیل دادند. مانند آقایان محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان، علی اکبر شکارچی، ناصر فرهنگ فر و حسین علیزاده که به اتفاق برادران کامکار در گروه چاووش فعالیت می‌کردند. البته بعد از مدتی دوباره به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بازگشتند. آن زمان که با گروه چاووش همکاری داشتم، هر اثری که آقای لطفی تنظیم می‌کرد یا می‌ساخت سرپرستی گروه را برعهده می‌گرفت و آقای علیزاده تار دوم را می‌نواخت و یا برعکس هر اثری که آقای علیزاده می‌ساخت به عنوان سرپرست گروه معرفی می‌شد و آقای لطفی نوازنده تار دوم بود. در واقع به طور کلی یک هماهنگی و همکاری بسیار خوبی انجام می‌گرفت و بعد از مدتی که به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی آمدند مانند فرم قدیم، گروه‌ها دوباره شکل گرفت و آثار بسیاری در این مرکز ضبط و تولید شد.

■ **چرا از چه سالی نوازندگی را کنار گذاشتید؟**

بعد از انقلاب چند سالی در آلمان زندگی می‌کردم. در آنجا موسیقی سنتی و ساز تنبک تدریس می‌کردم که بسیار مورد استقبال بود، به‌طوری که هنرجویانی از کشورهای دیگر متقاضی آموزش این ساز بودند، اما در کنار تدریس، برنامه‌های بسیاری داشتیم و حدود ۱۲ کنسرت اجرا کردیم. ابتدای شروع کارم همکاری با گروه «نوا» به سرپرستی آقای مجید درخشانی بود و آقای حمید متبسم هم با این گروه همکاری داشت و بعد از حدود یک سال آقای متبسم پیشنهاد تشکیل یک گروه موسیقی داد با عنوان «دستان» که متشکل بود از هنرمندانی همچون آقایان شهرام ناظری، کیهان کلهر، محمد علی کیانی نژاد، حسین بهروزی نیا، آقای حمید متبسم و من. از دیگر هنرمندان هم دعوت شد و از ایران آمدند و به اتفاق حدود ۱۰ سال به‌صورت مرتب در کشورهای مختلف کنسرت برگزار کردیم تا حدود دهه ۷۰ (سال ۱۹۹۱) و بعد از آن همراه با آقای شجریان تورکنسرت‌های امریکا را داشتیم، البته همچنان در گروه «دستان» فعالیت می‌کردم و بعد از آن به ایران بازگشتم و به‌طور کلی ساز و نوازندگی را کنار گذاشتم (سال ۷۸). چند سالی بعد از پایان فعالیت‌های هنری ام، یکی از شاگردانم که در امریکا زندگی می‌کند به تورکنسرت با همکاری آقای شجریان در اروپا برگزار کردیم که حدود ۱۰ اجرا بود و بسیار استقبال شد. بعد از آن برنامه، مدتی بعد آقای شجریان تماس گرفت و گفت می‌خواهیم به امریکا برویم و یک تور کنسرت بزرگی برگزار کرد، حدود ۴ ماه طول کشید و ۱۱ برنامه اجرا شد که ماحصل این کنسرت‌ها سه کاست به نام «سروچمان»، «پیام نسیم» و «دل مجنون» بود که بعدها به‌صورت آلبوم منتشر شد، البته یک آلبوم هم به‌صورت ویدیویی منتشر شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. همکاری دیگرم با آقای شجریان در آلبوم «شب، سکوت، کویر» بود به آهنگسازی آقای کیهان کلهر، البته قبل‌تر در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی با آقای شجریان آشنا بودم و کارهایی در استودیو ضبط کرده بودیم مانند تصنیف زیبای «میهن ای میهن» به آهنگسازی آقای جلیل عندلیبی با صدای آقای محمدرضا شجریان.

از راست: مرتضی اعیان، محمدرضا شجریان و مجید درخشانی

■ **در آلبوم‌های ماندگاری مانند «شب، سکوت، کویر»، «پیام نسیم» و «سروچمان» با استاد شجریان، کیهان کلهر، جمشد عندلیبی و داریوش پیرنیاکان همکاری داشته‌اید. خاطره‌ای از آن دوران بگویید.**

حدود سال‌های دهه ۶۰ بود که به آلمان رفتم و با گروه موسیقی «دستان» برنامه تور کنسرت داشتیم. یک روز آقای شجریان با من تماس گرفت و بعد از سلام و احوالپرسی، جویای فعالیت‌هایم شد و قرار ملاقاتی گذاشت. آن زمان آقای شجریان هم در آلمان بود و به دیدارشان رفتم. آقای شجریان از برنامه‌هایشان صحبت کرد و از تورکنسرت‌هایش در اروپا. به من گفت اگر برنامه‌ای نداری در این تاریخ‌ها با اعضای گروه که آقایان داریوش پیرنیاکان و جمشید عندلیبی بودند، همکاری داشته باشم و بعد از آن دیدار تمرین با گروه شروع شد و یک نام آقای هومان پورمهدی که از نوازندگان بسیار خوب است و در دانشگاه تدریس می‌کند با من تماس گرفت و گفت یکی از دوستانش در ایران می‌خواهد با من صحبت کند و شماره تلفنم را به آقایی به نام جلال سروش داد و مدت زمان کوتاهی صحبت‌هایی شد و بار دیگر که آقای سروش تماس گرفت، گفت جزوه‌های موسیقی که به هنرجویان تدریس می‌شود براثر کپی برداری بسیار کمرنگ شده و حتی برخی از آنها قابل خواندن نیست و نیاز به بازنویسی و چاپ دوباره دارد، اما این پیشنهاد را قبول نکردم. در واقع دیگر حوصله انجام این کارها را نداشتم، ولی اصرار آقای سروش موجب شد این کار را بپذیرم و با پیگیری دوستان، جزوه‌ها به دستم رسید و بازنویسی شد و به مرحله ویراستاری رسید. سرانجام یک مجموعه دو جلدی شیوه تنبک‌نوازی به همت انتشارات هنر موسیقی به چاپ رسید و منتشر شد. چاپ دوم این دو کتاب تمام شده و به احتمال زیاد به چاپ سوم خواهد رسید. درکنار آن درحال آماده‌سازی کتاب سوم هستم و نت‌نویسی‌های آن با کامپیوتر به پایان رسیده است. ان شاءالله در همین روزها به چاپ می‌رسد.

■ **این کتاب‌ها به شیوه تنبک نوازی استاد امیرناصر افتتاح است؟**

بله من نت‌نویسی را به سبک استادم شروع کردم. آقای افتتاح سر کلاس برای تمرین هر هنرجو، یک صفحه نت می‌نوشت و من هم همین روش ایشان را ادامه دادم، البته بعد از مدتی دیدگاه و برداشت‌های خودم نسبت به این ساز و جمله‌بندی و علائمی را در خصوص انگشت‌گذاری به آن اضافه کردم و باید بگویم این کتاب شیوه تنبک نوازی استاد افتتاح است ،اما با سبک و شیوه خودم.

نکته قابل توجه درخصوص تنبک، اختلاف نظر نوازندگان این ساز است؛ درواقع به نوعی سبک‌های یکدیگر را قبول ندارند. زنده یاد استاد ناصر فرهنگ فر در خصوص این ساز به نکته جالبی اشاره کرد که هیچ گاه فراموش نمی‌کنم. آقای فرهنگ فر همیشه تأکید داشت، تنبک نوازی نیاز به یک دست آهنی دارد، آن هم به‌دلیل تمرینات طاقت‌فرسای آن و انرژی بسیاری که برای آن صرف می‌شود؛ سازی مانند سه تار را می‌توان به آرامی نواخت ،اما برای نوازندگی تنبک، به لحاظ فیزیکی فشار بسیاری روی دست است. نکته دیگر مبحث آموزشی است که به‌طور کلی هر معلم یا استاد دیدگاه فکری خود را دارد و شاید هم قابل قبول باشد اما به شرط آنکه روش درستی را برای تدریس انتخاب کرده باشند. جالب است بدانید برخی از این معلمان عزیز برای دفاع از خط فکری خود، آرام آرام جبهه‌گیری هم می‌کنند و حتی در جلساتی صحبت‌هایی در خصوص بیان عقاید و تفکراتشان داشته‌اند، اما نفی کردن دیدگاه دیگری دلیل بر رد آن نبوده و به عقیده من این جبهه‌گیری‌ها ناگاه جالبی نیست، چراکه هدف همه ما پیشرفت این ساز است و فرقی هم ندارد، چه کسی کمتر یا بیشتر در این زمینه زحمت کشیده و فعالیت کرده است، بلکه همان‌طور که گفتم هدف تمرین و تکنیک بیشتر و بهتر برای پیشرفت این ساز است و اگر هم اختلاف سلیقه‌ای وجود دارد نوازنده‌های تنبک می‌توانند در کنار هم تبادل افکار داشته باشند.

از راست: ایرج حقیقی، حسین بهروزی‌نیا، شهرام ناظری، حمید متبسم، کیهان کلهر و مرتضی اعیان

> دیدگاه نسل امروز با گذشته متفاوت است و با دنیای روز درحرکت است و براثر همین تفکرات جدید، کارهای جالبی ازاین نسل شاهد هستیم ،بخصوص درخصوص انگشت گذاری‌های روی تنبک، فرم‌ها و تکنیک‌های جدید که جای امیدواری دارد. اما نکته مهم که هرگز نباید آن را فراموش کرد، این است که در کنار آموختن تکنیک‌های تازه، احساس آنها هم به همین میزان باید پیشرفت کند

■ **ارزیابی شما از استقبال نسل جوان در آموختن این ساز چیست؟**

گاه گداری از طریق فضای مجازی کارهای نسل جوان را دنبال می‌کنم و به عقیده من به لحاظ تکنیکی پیشرفت بسیار خوبی داشته‌اند. به‌طوریقین دیدگاه نسل امروز با گذشته متفاوت است و با دنیای روز درحرکت است و براثر همین تفکرات جدید، کارهای جالبی ازاین نسل شاهد هستیم ،بخصوص درخصوص انگشت گذاری‌های روی تنبک، فرم‌ها و تکنیک‌های جدید که جای امیدواری دارد. اما نکته مهم که هرگز نباید آن را فراموش کرد، این است که در کنار آموختن تکنیک‌های تازه، احساس آنها هم به همین میزان باید پیشرفت کند، چرا که اگر احساس یک نوازنده کمتر از تکنیک او باشد، آن زمان است که می‌توان تصور کرد یک کار ماشینی در حال انجام است و تنها حرکات دست نمایان بوده، اما اگر درکنار این تکنیک به همان میزان با احساس ساز بنوازند آن زمان با اطمینان می‌توانیم بگوییم تنبک پیشرفت می‌کند.

■ **تکنیک نواختن ساز تنبک نسبت به سازهای دیگر چه تفاوتی دارد؟**

به طور مثال در سازی مانند سه تار نمی‌توان تکنیک و کارهای خاص انجام داد اما ساز تنبک دارای این قابلیت است ،حتی در حال حاضر با این ساز ملودی تعریف می‌شود و همان‌طور که قبل‌تر اشاره کردم به لحاظ انگشت نگاری بسیار پیشرفت‌تر شده است. این درحالی است که سازهای دیگر دراین حد پیشرفت و وسعت نداشته‌اند. اما مسأله تکنیک درتنبک نوازی به چند جهت بررسی می‌شود. در این ساز تکنیک فردی، یک بخش است که اغلب در تک نوازی استفاده می‌شود و افراد بسیاری به‌عنوان تک نواز دراین بخش کارکرده و کنسرت برگزار کرده‌اند. بخش دیگر همنوازی با ساز ملودیک بوده که مسأله مهمی است. برخی از نوازندگان تنبک در همنوازی با سازهای دیگر به نحوی پیچیده تنبک می‌نوازند که فقط نوازندگی و تکنیک خود را نشان بدهند و سازهای ملودیک را اندکی تحت‌الشعاع قرار می‌دهند اما این روش درستی نیست و نباید در همنوازی تمام مدت از این روش استفاده کرد، بلکه در کنار کار تکنیکی و جمله‌بندی‌ها، باید با سازهای ملودی حرکت کرد. درواقع حس ششم نوازنده آنقدر باید قوی باشد که توانایی خواندن جمله‌بندی‌های نوازنده ساز ملودیک را داشته باشد.

■ **آیا می‌توان روش‌های جدید تر هم برای این ساز تعریف کرد؟**

بله. کتاب‌های مختلفی با روش‌های متفاوت درخصوص ساز تنبک نوشته شده و هر فرد بنا به تفکر و عقیده خود این مطالب را لازم و مهم دانسته و به‌صورت کتاب منتشر کرده است و حتی می‌توان روش‌های جدیدتر هم به آن اضافه کرد.

■ **شاگردان شما به سبک و شیوه شما نوازندگی می‌کنند؟**

بله. بسیاری از شاگردانم از همان جزوه‌ها استفاده می‌کنند و حتی تدریس هم می‌شود.

■ **و در پایان ارزیابی شما از موسیقی ایران چیست؟**

چشم‌انداز من به موسیقی ایران مثبت است ، گاهی کارهای بسیار خوبی می‌شنوم و به‌طورکلی کارهای خوب تولید می‌شود که می‌توانم بگویم به آینده موسیقی ایران امیدوارم.

نقش و رنگ منحصر به فرد تنبک در موسیقی اصیل ایرانی

حمید قنبری
کارشناس ارشد موسیقی، مدرس و نوازنده تنبک و سازهای کوبه ای

تغییر لازمه زمان است. بر این اساس با مقایسه تکنیک نوازندگی ساز تنبک بین نسل امروز و دیروز درمی یابیم که اتفاقات جدیدی در تنبک نوازی امروز به‌وجود آمده که قبل‌تر وجود نداشته است. مانند نواختن پلی ریتم‌ها یا اجرای ریتم‌های متفاوت به‌صورت همزمان. به‌طور مثال دست راست با دست چپ دو ریتم متفاوت می‌نوازند و این نگاه، اتفاقات جدیدی است که به تازگی تجربه می‌شود، اما اولویت انتخاب نوازندگی به روش سنتی انجام شود یا پر تکنیک و پیچیده، بسته به خواست هنرجویان و علاقه‌مندان نوازندگی این ساز دارد. آیا به سنت‌ها علاقه‌مند هستند و به آن گرایش و پایبندی دارند یا صرفاً به‌دنبال تغییرند؟ و براساس این جذابیت‌های تکنیکی، به سمت انتخاب خود گرایش پیدا می‌کنند. اما دیدگاه من این است افرادی که در زمان امروز زندگی می‌کنند، باید با حفظ و شناخت سنت‌ها، به تکنیک‌های متداول روز موسیقی آشنا و مسلط باشند و از آن بهره ببرند به عبارتی ریشه در سنت داشتن و در زمان خویش زیستن.

اما درخصوص تفاوت سبک تنبک نوازی استادان گذشته نسبت به نسل امروز باید بگویم، اگر سلسله مراتب استادان تنبک نوازی را به‌صورت یک هرم ترسیم کنیم، استاد حسین تهرانی در رأس این هرم قرار دارد و مابقی استادان هرآنچه که آموخته‌اند مدیون ایشان هستند و به نوعی می‌توانیم بگوییم حسین تهرانی پدر تنبک نوازی ایران است و بقیه استادان به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم از این استاد بزرگ الهام گرفته‌اند و آموزش دیده‌اند. چرا که حسین تهرانی نقطه عطفی درعرصه تنبک نوازی است. بنابراین همه ما نوازندگان تنبک به هر شکلی مدیون استاد تهرانی هستیم. اما قطعاً هر فردی که به نوازندگی این ساز روی آورده، نگاه، سلیقه و رنگی دیگر به این ساز اضافه کرده و همین تفاوت‌ها، موجب زیبایی و ماندگاری این هنر والا شده است. چرا که اگر قرار بود همه نوازندگان به یک روش و یک گونه ساز بنوازند، قطعاً تنوع و زیبایی امروز وجود نداشت. بنابراین اتفاق‌ها و دیدگاه‌های مختلف با ایدئولوژی‌های متفاوت برای شیوه نوازندگی این ساز تلفیق شد و هر استادی که به نوازندگی این ساز ورود کرد، نگاه خود را به آن افزود و سبک‌های جدیدی به‌وجود آمد که به نظر من از جذابیت‌های هر کار هنری است.

درباره نت‌نویسی این سازهم در دوبخش کلی بین استادان اتفاق نظری وجود دارد. اصوات این ساز با خط نت نوشته می‌شود اما درخصوص چگونه نوشتن آن دو سبک متداول پذیرفته شده است. نخست سه خطی که ادامه یافته نت نویسی‌های استاد حسین تهرانی است و دیگر سیستم تک خطی که برای اولین بار استاد ابوالحسن صبا به نت‌نویسی آن اقدام کرد و استاد امیرناصر افتتاح آن را به تکامل رساند و بعد آن استادان دیگر مانند جناب بهمن رجبی روی این روش کار کردند و آن را تکامل بخشیدند.

و در آخر باید بگویم ساز تنبک جایگاه متفاوتی در موسیقی ایرانی دارد و نقش و رنگی کاملاً منحصر به فرد در موسیقی اصیل ایرانی بازی می کند. امروزه با توجه به دسترسی آسان به اینترنت و گسترش فضای مجازی و نزدیک شدن به اتفاق بزرگی به اسم دهکده جهانی، موجب شده خواسته یا ناخواسته از دنیای روز تأثیر بگیریم اما موضوعی که مایه خوشبختی بوده این است که جوانان و نسل جدید هنوز به ساز تنبک علاقه نشان می‌دهند و این ساز قدیمی همچنان به حیات خود ادامه داده و از دیدگاهی شاید یکی از دلایل آن جذابیت‌های تکنیکی است که به این ساز اضافه شده و موجب حیات امروزی این ساز بوده است. اما درکنار آن سازهای دیگر با رنگ و بوی جدید که ایرانی نیستند وارد شدند مانند کاخُن، هَنگ درام و سازهای دیگر که برای جوان‌ها در یک دوره جذاب بوده اما اینکه آیا ماندگار هستند یا خیر و اینکه می‌توانند در رقابت با ساز ریشه‌داری مانند تنبک باشد قضاوت آن را باید به زمان سپرد.